

دکتر اسماعیل علی اکبری

دانشگاه پام‌نور

محمدرضا جی درابخانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

شهرهای اداری - سیاسی و ناپایداری شهری

مورد: سرابله^(۱)

چکیده:

در تاریخ شهر و شه‌نشینی ایران، انقلاب مشروطیت از نظر اجتماعی - اقتصادی و فضایی به عنوان یک نقطه‌ی عطف به شمار می‌رود، زیرا مداخله‌ی سازمان‌یافته و هدف مند دولت در توسعه‌ی شهری، از این زمان پایه‌گذاری شد. از دهه‌ی چهل به بعد، آثار و نوددهای خود را در رشد الگوهای متفاوت شهری در نظام شبکه‌ی شهری کشور، نمایان ساخت و بدین ترتیب بسیاری از قانون‌مندیهای سنتی توسعه‌ی شهری را به هم ریخت. نوشته‌ی حاضر، یکی از این الگوها، یعنی شهرهای اداری - سیاسی را در قلب یک شهر پژوهی موردی، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، ابتدا مؤلفه‌های بستر ساز و سازوکار اجرایی آن، که مقدم بر پدایش شهرها و به شدت بر آن اثرگذار است، شناسایی و تحلیل شده است؛ سپس نتایج و پلدهای منبعث از آن در عرصه‌های مختلف شهر، با تکیه بر مستندات آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج مقاله بر لگوی مداخله‌ی غیرعلمی و ناکارآمد دولت در توسعه‌ی شهر اداری - سیاسی تأکید دارد، که با جنبه‌های ناپایداری متعددی قابل تعریف است.

درآمد

یکی از مباحث کلیدی جغرافیای شهری ایران، مسأله‌ی ساختار توسعه‌ی شهری، به طور اعم، و شیوه‌ی تأمین اقتصاد شهری به عنوان نیرو محرکه‌ی این توسعه، به طور اخص، می‌باشد. در ایران، شهر و شه‌نشینی اگرچه سابقه‌ی تاریخی زیادی دارد، ولی در دوره‌ی اخیر تحولات کمی و کیفی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده

است. امروزه در کنار بردارها و لگوهای سنتی رشد شهری، که هانس بوبک^۱ قانون‌مندی‌ها و سلزوکار آن را در قالب نظریه‌ی سرمایه‌داری بهره‌بری^۲ بیان کرده است (اهلرس، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۲۵۲ / اهلرس، ۱۳۷۳: ۱۷-۶۵)، نیروهای جدیدی در تکوین و تکامل سازمان شهری کشور، به گونه‌ای سازمان یافته، دخالت دارند. تنوع بردارهای اثرگذار، همراه با اهداف، عملکرد، سلزوکار و پیامدهای متفاوت، لگوهای شهری متعددی را پدید آورده و فرایند توسعه‌ی شهری را به یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی تبدیل کرده است. در حال حاضر، هرگونه برنامه‌ریزی در مدیریت نظام شهری و هدایت خردمنانه‌ی آن، مستلزم شناخت صحیح بردارها و سازوکارهای رشد شهری و تحلیل پایداری^۳ یا ناپایداری^۴ در لگوهای شهری منبث از آنهاست. از آنجا که این الگوها تنوع ناحیه‌ای خاص خود در گستره‌ی کشور را دارند، لذا امروزه در کنار مطالعات موضوعی، لزوم مطالعات شهرشناسی ناحیه‌ای^۵، بیش از پیش احساس می‌شود.

پشتوانه‌ی نظری برای تحلیل الگوهای شهری دوره‌ی اخیر را می‌توان در قالب «نظریه‌ی دولت و شهرنشینی»^۶ دکتر محمدتقی رهنمایی جستجو کرد (رهنمای، ۱۳۷۳: ۱۷) که دولت را مهمترین عامل توسعه‌ی شهری در خاورمیانه، به طور عام، و در ایران، به طور خاص، می‌داند. براساس این نظریه، نهاد شهر-ملار و شهر-محوری که پس از انقلاب مشروطیت با عنوان «دولت» در ایران شکل گرفت، در چند دهه‌ی اخیر به پشتوانه‌ی برخورداری از درآمدهای نفتی یا مازاد ملی^۷، نقش به‌سزایی در سازمندی فضایی و اقتصادی شهرهای کشور ایفا کرده است. از دیدگاه این نظریه، شهرهای اداری-سیاسی، شهرهای نظامی یا پادگان شهرهای مرزی، شهرهای معدنی به‌ویژه شهرهای نفتی، شهرهای صنعتی و نوشهرها یا شهرهای جدید^۸، از جمله الگوهای شهری هستند که در تکوین یا تکامل نظام اجتماعی، اقتصادی و همین‌طور فضایی آنها، دولت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی نقش به‌سزایی داشته است. مطالعاتی که در سال‌های اخیر انجام شده (مانند: ضیایی ۱۳۷۹) راجع به شهر و شهرنشینی در ایران (علی‌اکبری، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳) راجع به شهرهای ایلام، وهابی (۱۳۸۳) در مورد شهر آبدلان، (فوجی دارابخانی، ۱۳۸۴) راجع به شهر سرلله (نوری، ۱۳۷۹) در مورد شهر تهران، از جمله پژوهش‌هایی است که کاربردی نظریه‌ی بالا در تحلیل الگوهای رشد شهری را اثبات کرده‌اند. نظری نیز در مورد پژوهش ارزشمندی راجع به استان گلستان، ضمن مطالعه‌ی نقش دولت در توسعه و تحوّل شبکه‌ی

1. Hans Bobek

5. Regional urbanology

7. National surplus

2. Rent capitalism

6. Government and urbanization

8. new town

3. Stability

4. Unstability

ارتباطات روستایی (راه و تلفن)، کاربرد اصول اساسی نظریه‌ی دولت و شهرنشینی را با طرح مفهوم «دولت و عمران روستایی» به حوزه‌ی مناسبات شهر و روستایی کسثلنده (نظری، ۱۳۸۳: ۱۸۹) و بدین ترتیب در بسط و تعمیم این نظریه به افق‌های تازه‌ای دست یافته است.

تا کنون، بررسی‌های انجام شده، اهمیت و کاربرد نظریه‌ی دولت و شهرنشینی را به عنوان یک «نظریه‌ی توصیفی و تبیینی»^۱ اثبات کرده است؛ یعنی نظریه‌ای که چون سایر نظریه‌های توصیفی با «هست‌ها و بودها» سروکار دارد (مهدیزاده و همکلان، ۱۳۸۲: ۶۲) و براساس گزاره‌ها، اصول و پیش فرض‌های علمی، به شناخت و توضیح یکی از واقعیت‌های موجود در عرصه‌ی شهرنشینی می‌پردازد.

در این نوشتار، علاوه بر کارکرد شناخت شناسی نظریه‌ی فوق، از آن به عنوان یک «نظریه‌ی هنجاری»^۲ استفاده می‌شود، که بر «بایدها» تأکید دارد و لزوم تغییر و اصلاح در واقعیت‌ها و وقایع موجود را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا اهداف و نتایج مقاله با رویکرد برنامه‌ریزی شهری کاربردی، دلنهی اصول بنیادی نظریه‌ی دولت و شهرنشینی را گسترش داده (رویکرد توسعه‌ای) و ضرورت تقویت و توجه به این جنبه‌ی بالقوه از نظریه‌ی فوق را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این دیدگاه نگاه مقاله به شهر اداری - سیاسی، پس از یک شهوشناسی نظری، عمدتاً معطوف به آینده‌ی این الگوی شهری است که با میزان پایداری یا ناپایداری شهری تعریف شده است. در این رلستا جنبه‌های آسیب‌شناسی^۳ و ریسک‌هایی که موجودیت این الگوی شهری را تهدید می‌کند، شناسایی و تحلیل شده‌اند. بدیهی است در اینجا مفهوم پایداری شهری یا شهر پایدار و همین‌طور عبارات مقابل آن یعنی «ناپایداری شهری» و «شهر ناپایدار»^۴، علی‌رغم تشابه لغوی و برخی شاخص‌های یکسان که با مقوله‌ی رایج «توسعه‌ی پایدار شهری» دارد، ولی ضمن دلرا بودن تفاوت‌های مفهومی اهداف متفاوتی را هم دنبال می‌کنند. پیش فرض این مقاله از مفهوم پایداری شهری در سه شاخص تعریف می‌شود؛ شهری که: (۱) از نظر فرهنگی و اجتماعی، بلند (۲) از نظر اقتصادی و عملکردی، کارآمد (۳) از نظر فیزیکی - فضایی دلرای تعادل باشد. در این زمینه (شهر پایدار) دو نظریه‌ی عمده و متضاد در لوانخر قرن بیستم در علوم معماری و شهرسازی ارائه شده که پایداری شهری را با رویکرد شاخص سوم (دیدگاه فیزیکی - کالبدی)، یعنی از دیدگاه فرم و نقشه‌ی شهر، مورد مطالعه قرار می‌دهد. (۱) تئوری «شهر فشرده»^۵ یا فرم تراکم شهری و (۲) تئوری «شهر گسترده»^۶ یا فرم

1. Explanatory theory

2. Normative theory

3. Pathology

4. urban sustainable development

5. Active 6. efficiency

7. compact city

8. urban dispersal

کم تراکم که در حوزه‌های جغرافیایی مختلف، نظریه پردازان موافق و مخالف خاص خود را دارد؛ اگرچه تئوری شهر فشرده، توسط کشورهای اروپایی و تئوری شهر گسترده عمدتاً توسط تئوریسین‌های آمریکایی و استرالیایی دفاع می‌شود، اما نتایج تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده (مثلاً، ۱۳۸۲: ۸۹) کارایی شهر فشرده و برتری آن در تحقق پایداری شهری، به ویژه از نقطه نظر تعامل اجتماعی، بالندگی روحی و فکری، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و دسترسی کارآمدتر به تجهیزات و خدمات شهری را نشان می‌دهد.

همچنین، برخی ایده‌های برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری و به خصوص طراحی شهری، مفهوم «پایداری شهری» و به طور مشخص‌تر «حرکت در جهت پایداری» را در قلب کیفیت تأمین «نیازهای انسان» شهرنشین، مورد توجه قرار می‌دهند. از این دیدگاه، ساختار نیازهای مشترک لسان در جامعه‌ی جهانی به سه دسته قابل طبقه‌بندی است: (۱) نیازهای اساسی شامل نیاز زیستی و نیاز به امنیت (۲) نیازهای اجتماعی و اقتصادی شامل نیاز به سکونت، حسن‌تعلق اجتماعی، حرکت و دسترسی و تنوع، خلاقیت و جذابیت محیط (۳) نیازهای اداری شامل آگاهی یا یادگیری و نیاز زیبایی (فریدی، ۱۳۸۳: ۳۴). براساس این دیدگاه، در فرایند کنونی جهانی شدن، یک ارتباط مستقیم و متقابل، میان نیازهای انسان و معیارهای پذیرفته شده برای پایداری شهرها وجود دارد (frey, 1999) و توسعه‌ی شهری زمانی در جهت پایداری قرار می‌گیرد که بتواند راهکار مشخصی برای تأمین نیازهای لسان و جامعه‌ی شهری ارائه نماید. چنین راهکاری که هدف از آن حرکت به سوی پایداری است، در نزدیک شدن به اصول، قواعد و قنون‌مندیهای شهرهای سنتی ایران (شاید بسیاری از شهرهای تاریخی سایر نقاط جهان) تعریف می‌شود (فریدی، ۱۳۸۳: ۴۳) که از نظر ساختاری با الزامات محیط طبیعی، و از نظر عملکردی با الگوها و ارزش‌های اجتماعی جامعه، سازگار و منطبق‌اند. دو خصیصه‌ی که بی‌توجهی به آنها، زندگی شهری را با ناپایداری‌های جدی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی روبرو می‌سازد.

با توجه به مبانی نظری یادشده، نگارنده بر آن است تا موضوع ناپایداری شهری در الگوی شهر داری-سیاسی را براساس مورد پژوهی سرابله، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. ساختار مقاله از چهار بخش تشکیل شده است؛ در بخش مقدمه، مبانی نظری و پیشینه‌ی مطالعاتی موضوع تبیین شده است. بخش‌های دوم و سوم به ترتیب به سازوکار شکل‌گیری و پیامدهای آن در خصلت‌یابی شهر داری-سیاسی اختصاص دارد، که مباحث اصلی مقاله را تشکیل می‌دهند و خروجی بحث نیز در قالب نتیجه‌گیری مقاله ارائه شده است. ماهیت و روش

1. Human needs

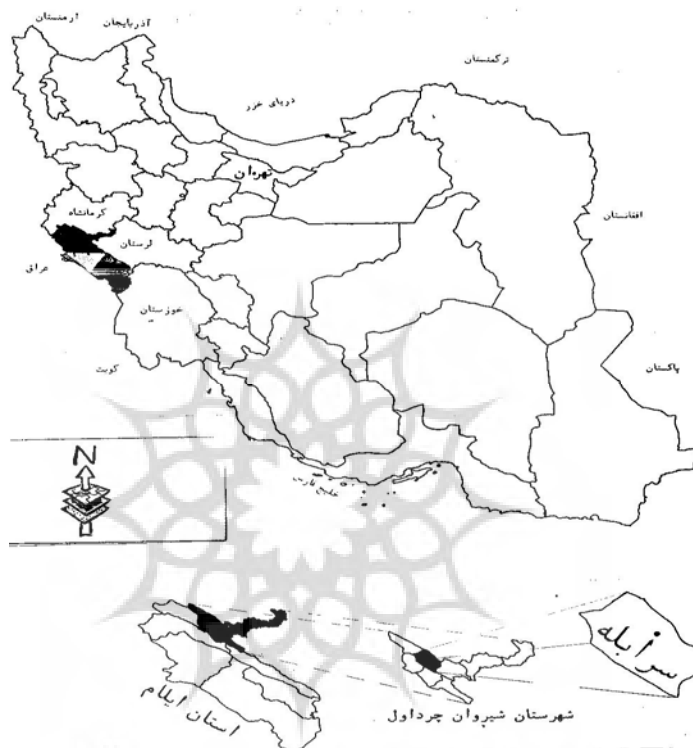
تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز، علاوه بر منبع و اسناد کتابخانه‌ای، از طریق عملیات میدانی و پیمایشی، به دست آمده است. اطلاعات مربوط به مساحت فضاهای شهری، برپایه‌ی نقشه‌ی دیجیت شده عکس هوایی شهر و با استفاده از نرم افزار "Autocad Map" محاسبه شده است.

مؤلفه‌های بسترساز و نحوه توسعه شهر اداری-سیاسی

سرانبله شهری کوچک و کم جمعیت (۸۵۳۷ تن در سال ۱۳۸۳)، در محدوده‌ی استان مرزی ایلام، در جنوب غرب کشور است، که در نقش مرکز شهرستان، رهبری اداری-سیاسی ناحیه‌ی شمال شرق این استان را برعهده‌ی دارد. (نقشه ۱) از نظر طبیعی، در محیطی ناهموار و کوهستانی و در بستر یکی از دره‌های میان کوهی زاگرس خارجی (زاگرس چین خورده) با ارتفاع ۱۰۰۰ متر از سطح دریا شکل گرفته است. فشردگی ژئومورفولوژیکی و موانع و محدودیت‌های طبیعی در این بخش از زاگرس، همراه با لژیوای جغرافیایی و لژیوای سیاسی یا دور بودن از حکومت‌ها و دولت مرکزی، سبب شده تا دهه‌ی پنجاه از تیررس برنامه‌های توسعه و اقدامات عمرانی کشور به دور ملده و در یک موقعیت حاشیه‌ای نسبت به مقر حکومت و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری قرار داشته باشد. تا این زمان، حضور دولت و سازمان‌های دولتی در این ناحیه، تنها از طریق تشکیلات نظامی و پاسگاه ژاندارمری بوده است. لذا تا دهه‌ی پنجاه، چه به دلیل موانع جغرافیایی و چه موانع سیاسی، چون بسیاری نواحی مرزی، شانس چندلی برای تقویت موقعیت خود و کسب هویت شهری نداشته و همچنان به عنوان یک نقطه‌ی روستایی منزوی، کم‌اهمیت و ناشناخته در پیکره‌ی ملی کشور باقی مانده است. در حالی که از آن پس با اهداف زیر مورد توجه سیاست‌های توسعه‌ی شهری دولت قرار گرفته است:

۱. مرکز اداره امور، خدمات رسانی و تدارکاتی برای حوزه‌های روستایی پیرمون که با الگوی نظری راهبرد «عملکرد شهری در توسعه‌ی روستایی»^۱ (فی، ۱۳۸۲: ۲۹) منطبق است؛
۲. پایگاه عملیاتی و بازوی اجرایی دولت برای اعمال قدرت، مدیریت و حاکمیت روستایی حاشیه‌ای و دور از حکومت مرکزی؛
۳. پایگاه جمعیتی و کلون دفاع مردمی برای تقویت خودکمرلی در نواحی استراتژیک مرزی. (استفاده از پایگاههای جمعیتی و مردمی به جای پلگاهها و تجهیزات نظمی پرهزینه برای تحکیم خطوط مرزی)؛

۴. پایگاه سیاسی دولت برای کنترل و نظارت بر تحرکات نواحی مرزی.
 نقشه شماره (۱): موقعیت جغرافیایی سرلله



مأخذ: فوجی داریختی، مکانیزم توسعه شهری در سرلله، ۱۳۸۴

بدیهی است سیاست و اهداف مزبور به خودی خود تحقق نمی‌یابد و همواره به ابزار و وسایلی نیازمند است که به عنوان عناصر عملکردی، ابزار اجرایی یا وسایل نهادی، زمینه‌ی تکوین و تکامل سازمان شهری را فراهم آورد. این گونه عناصر نهادی یا بردارهای زمینه‌ساز توسعه‌ی شهری، متناسب با اهداف نیروهای مسلط از شکل‌دهی به سازمان فضا، گونه‌های متفاوتی دارند و هریک الگوهای شهری با سازمان‌بندی اجتماعی، اقتصادی و فضایی متفاوت را هم می‌آفرینند.

در الگوی «شهرهای اداری - سیاسی»^۱ یا دولت شهرهای اداری - سیاسی به طور عام و در سربله به عنوان یک نمونه‌ی خاص، ابزار اجرایی یا مؤلفه‌ی بسترساز توسعه‌ی شهری را تمرکز اداری - سیاسی تشکیل می‌دهد که به پیدایش و تقویت عملکرد اداری - سیاسی^۲ در شهر منجر می‌شود. تفویض تمرکزهای اداری - سیاسی در تمامی سطوح آن عموماً از سوی دولت و در چارچوب نظام تقسیمات کشوری یا محیه‌بندی‌های سیاسی اعمال می‌شود که ضوابط و قانون مدیهای خاص خود را دارد. در حقیقت هنگامی که در مراکز قدرت سیاسی (ملی - منطقه‌ای یا محلی) به هر دلیلی تصمیم بر توسعه‌ی شهر و شهرنشینی در یک ناحیه یا نقطه‌ی جغرافیایی معین باشد، این تصمیم نخست در قالب نظام تقسیمات کشوری به شکل تفویض یا ارتقاء منزلت سیاسی آن نمود پیدا می‌کند.

اصولاً ناحیه‌بندی سیاسی داخلی کشورها و تکوین یا ارتقای منزلت یک واحد سیاسی، تابع ضوابط و شاخص‌های مشخص و تعریف شده‌ای است. شاخص جمعیت، فاصله و سهولت دسترسی، همگنی طبیعی، همگنی فرهنگی، شیوه‌ی معیشت، ضرورت‌ها و مصلحت‌های ویژه‌ی امنیتی و برابری در توزیع فرصت‌ها، برخی از مهم‌ترین معیارها در ناحیه‌بندی سیاسی درون کشوری است که در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران به لحاظ نظری و قانونی، شاخص جمعیت یا برخورداری از آستانه‌ی جمعیتی، شاخص پایه‌ای در تکوین یک محیه‌ی سیاسی است. در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، دخالت نیروهای پنهان یا شاخص‌های غیررسمی، که تابع جغرافیای قدرت^۳ در کشور است، همواره ناحیه‌بندی سیاسی را تحت تأثیر قرار داده و نقش تعیین‌کننده‌ای را در آن دارد. به هر حال، سیاست‌های استراتژیک دولت یا لایمات سرزمینی، با برخورداری از حق وتوی بلزی، قدر است بسیاری از دیگر شاخص‌ها را تحت الشعاع قرار دهد و انعطاف‌پذیری قابل توجهی را بر آن تحمیل نماید. به گونه‌ای که سازماندهی سیاسی فضای سرزمینی نواحی مرزی غرب و جنوب غرب کشور، از دهه‌ی چهل به این سوی، به شدت تحت تأثیر این شاخص اخیر قرار داشته است.

بدین ترتیب، زمانی که یک ناحیه‌ی جغرافیایی به آستانه‌ی جمعیتی خاصی دست می‌یابد، یا به هر دلیل دیگری واجد شرایط برای تبدیل شدن به یک واحد سیاسی جدید یا ارتقاء منزلت سیاسی از سطحی به سطح

1. Administrative-political city

2. Administrative-political function

3. power Geography

بالتر می‌شود، در این حالت یکی از سکونتگاه‌های آن محیه به عنوان مکان مرکزی^۱ یا مرکز داری-سیاسی^۲ و کتون خدمات‌رسانی آن واحد سیاسی انتخاب می‌شود. برای تعیین مراکز اداری-سیاسی اگرچه روش‌های شناخته‌شده‌ای چون آنالیز جاذبه و آنالیز جریانها وجود دارد، که در آنها از ماتریس‌ها و تحلیل‌های آماری استفاده می‌شود (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۶)، ولی در محیط سیاسی ایران تاکنون استفاده چندانی از این روش‌ها نشده و تعیین مراکز سیاسی عمدتاً تحت تأثیر جریان‌های محیه‌گرایی، رقابتها، فرصت‌ها و ملاحظات سیاسی قرار داشته است.

با انتخاب مرکز اداری-سیاسی، سنگ بنای تکوین شهر داری-سیاسی گذاشته می‌شود. این انتخاب چنانچه در نمودار شماره (۱) ملاحظه می‌شود، با پیامدهای قابل توجهی در شکل‌گیری و تکامل سازمان اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهر همراه است. لذا در الگوی شهر داری-سیاسی به عنوان یک «فرصت» محسوب می‌شود و بخش زیادی از رقبت میان سکونتگاهها برای تصاحب این فرصت نیز از همین نکته ناشی می‌شود. بدین معنا که تفویض چنین کارکردی به یک سکونتگاه، تمرکز مجموعه‌ای از امکانات، خدمات و زیرساخت‌های دولتی در آن‌جا را به دنبال دارد. چرا که میان موقعیت و مرکزیت اداری-سیاسی یک نقطه با میزان خدمات و امکاناتی که از سوی دولت در آنجا متمرکز و از آنجا به سایر نواحی واقع در حوزه نفوذ داری-سیاسی آن قطعه (مرزها و حدود آن ناحیه‌ی سیاسی) ارائه می‌شود، ارتباطی نزدیک، مستقیم، و تقریباً خطی وجود دارد. به موجب این ارتباط تنوع و دامنه‌ی ارائه خدمات و امکانات عمومی از سطح مرکزیت داری-سیاسی پیروی می‌کنند. در مراکز با منزلت و مرکزیت اداری-سیاسی بالا، تمرکز خدماتی و دامنه‌ی خدمات‌رسانی دولتی افزایش می‌یابد و در مقابل در سکونتگاه‌های با سطح پایین‌تری از مرکزیت داری-سیاسی، خدمات دولتی کمتری عرضه می‌شود.

بدیهی است اداره یا مدیریت این گونه خدمات و ارائه‌ی آن به حاشیه‌ها، نمی‌تواند فرایندی خودگردان داشته باشد و همواره مستلزم احداث دستگاهها و سازمانهایی است که به عنوان اهرم‌های اداری-اجرایی، فرایند خدمات‌رسانی به پیرامون را سازماندهی کنند. احداث این گونه دستگاهها یا سازمان‌های اجرایی، باتمک و اشغال ارضی، جذب نیروی شاغل یا کارکنان اداری و احداث زیرساخت‌های عمومی همراه است که از اجزاء و متعلقات اجتناب‌ناپذیر آن به شمار می‌روند. همچنین، تمامی اقدامات مزبور به سرمایه‌گذاری دولت یا تزریق

1. central place

2. Administrative – political center

منابع اعتباری (مختارات جبری و عمری) نیازمند است، که باید از محل مازاد ملی برداشت و مصرف شود. عناصر بالا که تاحدود زیادی تفکیک ناپذیراند و در هم پیوندی عملکردی با هم قراردادند، مجموعاً ساختار تشکیلاتی یا تشکیلات دیوان سالاری در مراکز اداری - سیاسی را به وجود می آورند که با عنوان نظام بوروکراسی^۱ (بوروکراسی افراد و دستگاه) از آن یاد می شود.

بدین ترتیب اجزاء و عناصر یا زیرسیستم های این نظام، که ماهیت و عملکردی سیستمی دارند، عبارت اند از:

(۱) دستگاههای اداری - اجرایی؛

(۲) نیروها یا کارکنان اداری - اجرایی؛

(۳) منابع اعتبارات جاری و عمرانی (نمودار ۱).

رشد و توسعه ی این زیرسیستم ها، به تدریج در طول کمتر از یک دهه به ترتیب:

(۱) ساختار فضایی؛

(۲) ساختار اجتماعی؛

(۳) ساختار اقتصادی آن مرکز اداری - سیاسی را شکل می دهد و بدین ترتیب در نقش بردارهای یک

سازمان شهری، شرایط اولیه برای تغییر موقعیت آن نقطه از روستا به شهر را فراهم می آورد. تکوین شهر اداری -

سیاسی، محصول اجتناب ناپذیر این فرایند است. شهری که روند تکوین آن براساس الگوی شناخته شده در

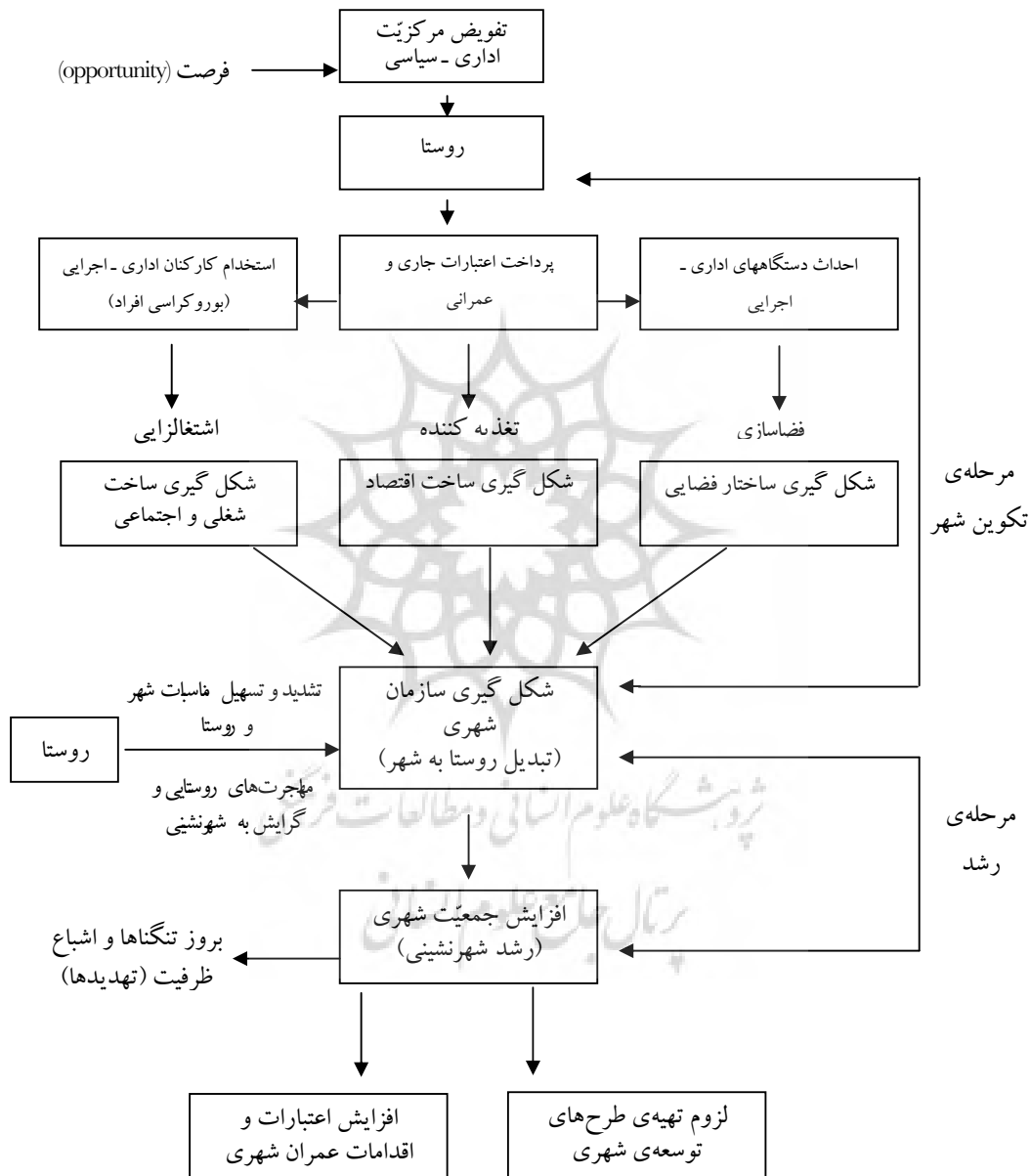
سرابله، کمتر از یک دهه به طول می کشد. مرحله ی تکوین عموماً ناظر و متناظر بر فرایندهایی است که در

داخل مکان مرکزی رخ می دهد و از درون ساختارهای شهری آن را شکل می دهد (نمودار ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۱. مراحل و ساز و کار تکوین، تحول و توسعه‌ی شهری در الگوی شهر اداری - سیاسی

(مدل سازی توسط مؤلف براساس نمونه سرالیه)



پس از این که مراجع قلمی، ملند مرکز آمار، رسماً شهرشدن این نقطه را اعلام می‌دارد و آن را در میان نقاط شهری طبقه‌بندی می‌کند، رشد شهرنشینی مکان مرکزی، تحت تأثیر نیروهای بیرونی آغاز می‌شود. بدین معنا که جاذبیت‌های ناشی از تمرکز اداری - سیاسی همراه با امتیازات شهری، در هم پیوندی با هم، زمینه‌ها و انگیزه‌های لازم برای گرایش به شهرنشینی در میان حوزه‌های روستایی اطراف را فراهم می‌آورد. این فرایند با اقدامات عمرلی دولت در نقاط روستایی چون توسعه‌ی راهها و امکانات ارتباطی، برق‌رسانی روستایی و... همراه است که با تسهیل و تسریع مناسبات شهر و روستا، رشد شهرنشینی در مکان مرکزی را تشدید می‌کند. افزایش شهرنشینی در شهری که نیروی محرکه‌ی اصلی خود را از موقعیت اداری - سیاسی دریافت می‌کند، به سرعت در اشباع ظرفیت‌های اقتصادی و فضایی شهر نمود می‌یابد و توسعه‌ی شهری را با محدودیت‌ها و تنگناهای جدی روبرو می‌سازد (نمودار ۱). در این مرحله از روند رشد شهری است که نگرش‌های ساختاری تمرکز اداری - سیاسی نمایان می‌شود و به یکباره فرصت‌های اولیه به تهدیدهای کنونی تبدیل می‌شود. چرا که تمرکزهای اداری - سیاسی در تملی سطوح آن، همواره دارای ظرفیت‌های مشخص و محدودی هستند که براساس آن برای هر سطحی از مرکزیت اداری - سیاسی، حدودی از گسترش دستگاه اداری - اجرایی دولت تعریف شده است. از آن‌جا که فرصت‌های مستقیم (مشاغل پایه‌ای)^۱ برخاسته از تمرکزهای اداری - سیاسی عموماً در قالب دستگاه اداری - اجرایی یاد شده و به شکل اشتغال زایی در بخش دولتی نمود می‌یابد، همچنین فرصت‌های غیر مستقیم، تبعی یا اشتقاقی (مشاغل غیر پایه‌ای)^۲ نیز تابع الزامات فعلیت پایه‌ای شهر است، لذا با گسترش شهر و شهرنشینی و عبور آن از آستانه‌های یاد شده، تنگناهای بنیادی یا محدودیت‌های نهادی تمرکزهای اداری - سیاسی، چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم، ثرات خود را در ناپایداری نظام شهری نشان می‌دهد. این ناپایداری‌ها که در مراحل اولیه‌ی رشد شهرنشینی به شکل عدم کارایی^۳ و ایستایی نظام شهری دیده می‌شود، با گذشت زمان و توسعه‌ی بیشتر شهر و شهرنشینی، در قالب آسیب‌ها و نهنجاریهای مختلف در عرصه‌های اقتصادی، فضایی، تأسیساتی و خلماتی شهر آشکار می‌شود. مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین پیلد ناگوار این تنگناها، عدم بلندگی و میرایی فرهنگ و رفتار شهرنشینی است که اثرات دامنه‌داری در سایر عرصه‌های شهری برجای می‌گذارد؛ یعنی شهر که وظیفه‌ی بلندگی عنصر و لسان شهرنشینی را برعهده دارد، در چنین شرایطی به طور آشکار و پنهان به ضد رسالت خود تبدیل می‌شود.

1. basic

2. Nonbasic

3. inefficiency

واکنش مدیریت شهری برای کنترل ناهنجاریهای یادشده و ایجاد تعادل در ارتباط میان ظرف و مظروف شهری، تهیه‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری (هادی و طمع) است؛ این رویکرد به معنای این است که مدیریت شهری، چه در سطح ملی و چه محلی، به جای تجدیدنظر در فلسفه‌ی شهرنشینی و تقویت عملکرد پایدار در شهر، راه حل مشکلات شهر داری - سیاسی را در صورت مسأله جستجو می‌کند. لذا این گونه طرح‌ها به جای تعادل بخشی و تقویت پایداری در زندگی شهری، گرایش به شهرنشینی در ظرفیت‌های موجود را افزایش می‌دهند و بدین ترتیب به تنگناهای ساختاری تمرکز اداری - سیاسی برای ایجاد پایداری شهری بیش از پیش دامن می‌زنند.

خصلت‌یابی شهر و شواهد ناپایداری شهری

نیروها و بردارهای توسعه‌ی شهری، اثرات خود را در خصلت‌یابی نظام شهری برجای می‌گذارد و عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر، تجلی‌گاه الزامات منبث از نیروهای شهر آفرین است. شکل‌گیری واحدهای اداری - سیاسی و تمرکزهای اداری - اجرایی ناشی از آن، ضمن این که روستاها را به شهر تبدیل کرده و به آنها موقعیت شهری می‌بخشد، در صورت‌بندی نظام شهری نمود مشخصی پیدا می‌کند. تبعات ناشی از تمرکز اداری - سیاسی، چه در قمش فرصت (امکانات) و چه در مفهوم تهدید و تنگناها، همواره در ساخت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و هم‌منظور در سازمان‌یابی فضایی شهر منعکس شده و عینیت^۱ می‌یابد. بررسی و ردیابی این گونه پدیده‌ها در شهر سرابله به عنوان یک نمونه‌ی شاخص از شهرهای اداری - سیاسی، نتایج و شواهد ناپایداری زیر را نشان می‌دهد:

۱. سیطره‌ی بوروکراسی دستگاہ: دستگاہ‌های اداری، مهم‌ترین اهرم اجرایی و بلزوی عملکردی تمرکزهای اداری - سیاسی به‌شمار می‌روند. لذا افزایش سازمانها و ارگان‌های اداری - اجرایی، ولین و بلزترین پیامد تمرکز داری - سیاسی است که همراه با برخی از دیگر نمادهای بوروکراسی، چون تردد قابل توجه اتومبیل‌های با پلاک اداری در سطح شهر، نمود بسیار مشخصی در سازمان اجتماعی - اقتصادی شهر داری - سیاسی دارد. تعداد دستگاہ‌های اداری شهر سرابله از یک دستگاہ در سال ۱۳۳۵ (پاسگاہ ژاندارمری) به شش دستگاہ در سال ۱۳۵۵، به ۴۳ دستگاہ در سال ۱۳۷۵ و سپس به ۵۲ دستگاہ در سال ۱۳۸۳، افزایش یافته (جدول

1. objective

۱) که حکایت از روندی شدیداً صعودی دارد. رشد قابل توجه سازمان‌های دولتی در دهه‌ی ۶۵-۱۳۵۵ و پنج برابر شدن آنها، به خوبی همبستگی میان اثرات ناشی از تفویض تمرکز اداری - سیاسی و رشد بوروکراسی دستگاه در شهر را نشان می‌دهد. در حال حاضر به ازای هر ۱/۱۶۴ تن شهروین، یک دستگاه اداری در شهر فعالیت می‌کند که در مقایسه با سرانه‌ی برخورداری بسیاری از دیگر شاخص‌های اساسی زندگی شهری، به طور چشمگیری بالاتر است. تأسیس دستگاههایی چون سازمان آب و فاضلاب شهری، نیروی انتظامی، دادگستری، پاسگاه راهنمایی و رانندگی، پخش فواره‌های نفتی، مخبرات و سزمان بازرسی و نظارت از سال ۱۳۶۵ به بعد، به خوبی بیانگر بروز تنگناها و مشکلات برخاسته از رشد زودرس شهروینی و بارگذاری شدید جمعیت و فعالیت در ظرفیت محدود یک شهر اداری - سیاسی است.

جدول ۱: فرایند تحوّل پرو کرسی دستگاه در شهر سرلله (۸۳-۱۳۳۵)

سال	دستگاه	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۳
تعداد		۱	۴	۶	۳۰	۴۳	۵۲

مأخذ: فوجی داربخانی، سازوکارهای توسعه‌ی شهری در سرلله، ۱۳۸۴.

۲. **سیطره‌ی بوروکراسی افراد:** سیطره‌ی بوروکراسی افراد در ساخت شغلی یکجانبه نمود می‌یابد. لذا با بررسی ساخت اشتغال یا الگوی توزیع شاغلان شهر، که مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصاد شهری است، می‌توان حدود پایداری یا ناپایداری در اقتصاد شهری را به تحلیل کشید. در سرشماری ۱۳۷۵، شاغلان شهر سرلله ۱۳۴۱ تن بوده‌اند که ۹۰۵ تن یا ۶۷/۵ درصد آن در بخش خدمات فعالیت کرده‌اند (جدول ۲). سهم شاغلان این بخش در یک دهه قبل، یعنی در سال ۱۳۶۵ نیز ۶۶ درصد بوده، که به طور قابل ملاحظه‌ای از سایر بخش‌های اقتصادی بالاتر بوده است. بررسی الگوی توزیع شاغلان خدماتی برحسب فعالیت‌های زیر بخش خدمات در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، بیانگر این نکته است که در این سال‌ها به ترتیب ۷۵ درصد و ۶۸/۳ درصد کل شاغلان خدماتی، در خدمات عمومی و اجتماعی فعالیت کرده‌اند (جدول ۲). یعنی فعالیت‌هایی که توسط دولت اداره و ارائه می‌شوند. بدین ترتیب اشتغال در این شهر ساختی خدماتی و خدمات زیرساختی عموماً دولتی دارد که براساس آن، نظام اشتغال شهر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های خدماتی استوار است و فعالیت‌های خدماتی

خود به ظرفیت اشتغال زایی قابل توجه خدمات دولتی وابسته‌اند. ارتباط میان اشتغال خدماتی با خدمات دولتی به معنای الگوی اشتغال دولتی است. در حقیقت دولت از طریق تمرکز اداری-سیاسی، که به گسترش اشتغال در خدمات عمومی و اجتماعی منجر می‌شود، نه تنها الگوی اشتغال فعالیت‌های خدماتی را مستقیماً تعریف کرده، بلکه از این طریق تأثیر آشکاری در شکل‌دهی به الگوی اشتغال شهر بر جای گذاشته است. جنبه‌های آسیب‌شناختی این الگو برای پایداری حیات اجتماعی و اقتصادی شهر، از چند دیدگاه قابل بررسی است:

(۱) ساخت شغلی یکجانبه و بدون تنوع؛

(۲) ماهیت خدماتی و غیر مولد الگوی اشتغال؛

(۳) وابستگی و برون‌زا بودن زیرساخت اشتغال.

بررسی الگوی توزیع شاغلان برحسب بخش‌های دولتی و خصوصی، به خوبی بیانگر سیطره‌ی دیوان سالاری بر ساخت شغلی شهر است. براساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵، از کل شاغلان شهر، ۶۸۷ تن یا ۵۱/۳ درصد در بخش دولتی مشغول فعالیت بوده‌اند (جول ۲) که به میزان قابل ملاحظه‌ای از معدل ملی (۳۸ درصد) در این سال بالاتر است. یعنی بیش از نیمی از شاغلان شهر، کارکنان دولت بوده‌اند؛ ۴۲/۷ درصد در بخش خصوصی فعالیت کرده و بقیه در بخش تعاونی یا وضعیت شغلی نامشخصی داشته‌اند.

جدول ۲: ساخت شغلی شهر سرابله در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ (قر/ درصد)

سال	بخش خدمات		خدمات عمومی و اجتماعی		شاغلان بخش دولتی		شاغلان بخش خصوصی	
	تعداد	سهم از کل شاغلان	تعداد	سهم از شاغلان خدماتی	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۱۳۶۵	۴۰۱	۶۶	۳۰۴	۷۵	۳۱۷	۵۲/۲	۲۸۳	۴۶/۶
۱۳۷۵	۹۰۵	۶۷/۵	۶۱۸	۶۸/۳	۶۸۷	۵۱/۳	۵۷۳	۴۲/۷

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان شیروان چرطول

۳. پیدایش جامعه‌ی تک‌ساختی: ساخت شغلی یک‌جانبه به ساخت اجتماعی یک‌جانبه منجر می‌شود. شاخص این ساخت، جامعه‌ی حقوق‌بگیر و مستمری‌بگیر است که مستقیماً از طریق درآمدها و اعطای دولتی

امرار معاش می‌کند. در سال ۱۳۶۵، ۱۷۷۵ تن یا ۵۸/۴ درصد جمعیت شهری از طریق درآمدهای دولتی زندگی کرده‌اند؛ این شاخص در سال ۱۳۷۵ به ۳۸۴۷ تن یا ۵۹/۱ درصد افزایش یافته است (جول ۳). همچنین، مطالعات میدانی نگارندگان نشان می‌دهد، در سال ۱۳۷۶ مجموعاً ۱۲۷۸ تن به عنوان مستمری‌بگیر نهادهایی چون کمیته‌ی ملداد، سازمان بهزیستی و بنیاد شهید، زندگی وابسته به کمک‌ها و اعانه‌های دولتی داشته‌اند، که ۱۹/۷ درصد جمعیت شهر را تشکیل داده‌اند (جدول ۳). بدین ترتیب در سال ۱۳۷۵-۷۶، مجموعاً ۵۱۲۵ تن یا ۷۹ درصد جمعیت شهر، مستقیماً از محل دریافت‌های دولتی زندگی کرده‌اند. این شاخص چه در مقایسه با معادل ملی و چه در مقایسه با شاخص مشابه در بسیاری از دیگر نقاط شهری، به میزان قابل توجهی بالاتر است. در بحث بعدی نشان می‌دهیم که زندگی و فعلیت سایر ساکنان شهر، یعنی ۲۰ درصد باقی مانده نیز به طور غیرمستقیم از منابع دولتی تغذیه می‌کند. یعنی منابعی که از طریق طبقه‌ی حقوق‌بگیر و مستمری‌بگیر، ماهانه و به طور منظم در بدنه‌ی اجتماعی-اقتصادی شهر به گردش درمی‌آید. چنین ساخت اجتماعی وابسته و یکجانبه، چه به طور بالقوه و چه بالفعل، با تهدیدها و ناپایداری‌های جدی برای حیات اجتماعی-اقتصادی و بالندگی فرهنگی شهر و شهرنشینی همراه است. چرا که ساختار یاد شده، علی‌رغم رونمایی پرتحرک، به دلیل وابستگی اقتصادی به منابع مازاد ملی، که ویژگی برونزا و پایان‌پذیر دارد، دو گونه تهدید را در درون خود می‌پروراند: (۱) تهدید علیه موجودیت شهر (۲) تهدید علیه امنیت ملی. این تهدیدها در موقعیت‌های متعددی می‌تواند از قوه به فعل درآید؛ اتمام ذخایر نفت و درآمدهای ناشی از آن (مازاد ملی)، تنش‌ها و نوسانات داری و غیراداری در بازار جهانی نفت، تغییر بنیان‌های فکری حکومت مرکزی نسبت به نواحی مرزی و شهرهای اداری-سیاسی، همچنین پیشرفت‌های تکنولوژیکی، چون پیشرفت تکنولوژی تجهیزات نظمی که می‌تواند کارایی شیوه‌های سستی خودکنترلی و دفاع مبتنی بر توسعه‌ی کلونهای شهری (پلگاههای جمعیتی) در نواحی مرزی را تا حدود زیادی کم‌رنگ کند، از جمله مولودی است که می‌تواند شبکه‌ی تولید و گردش مازاد ملی را دچار گسیختگی نماید،^(۲) یا ضرورت‌های کنونی برای تزریق این مازاد در بدنه‌ی شهرهای اداری-سیاسی را تضعیف کند و بدین ترتیب این الگوی شهرسازی و نظایر آن را با بحران‌ها و ناپایداری‌های شهری روبرو نماید. بدیهی است در این صورت، طبقات شهری که از جریان مازاد ملی بی‌بهره شده یا از آن کمتر سود می‌برند، به خودی خود نوعی تنش اجتماعی و سیاسی برای امنیت و اقتصاد ملی به وجود می‌آورند.

جدول ۳: تعداد افراد وابسته به درآمد‌های دولتی در سرایله (نفر/ درصد)

سال	جمع		حقوق بگیر (۱)		مستمری بگیر (۲)	
	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۱۳۶۵	-	-	۱۷۷۵	۵۸/۴	-	-
۱۳۷۵	۵۱۲۵	۷۹	۳۸۴۷	۵۹/۱	۱۲۷۸	۱۹/۷

مأخذ: (۱) سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان شیروان

چداول (۲) برداشت‌های میدانی

۴. **نارسانی در عملکرد بازار شهری؛** یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناشی از سیطره‌ی بوروکراسی افراد و دستگاه و حاکمیت، ساخت شغلی یک جانبه را می‌توان در نارسانی عملکرد بازار شهری مشاهده کرد. مطالعات میدانی نگردندگان در سرایله، نارسانی رفتار بازار شهری را در دو زمینه شناسایی کرده است: (۱) موسمی بودن فروش و انحصار آن به زمینی کوتاه در طول ماه؛ (۲) انحصار فروش قساطی مبتنی بر چک کارمندی در نظام مبادله‌ی بازار. جدول شماره ۴، روند تغییرات میلگین فروش روزانه در سه فروشگاه کفش و ۸ فروشگاه لوازم خانگی، به ترتیب در تیرماه ۱۳۸۳ و دی ماه ۱۳۸۲ را در شهر سرایله نشان می‌دهد. روند تغییرات فروش در سه فروشگاه کفش، نتایج جالب توجهی در ارتباط با خصلت اول بازار شهری به دست می‌دهد. (۱) بیشترین میزان فروش با ۳۴۵ هزار تومان در اولین روز ماه و کمترین با ۱۲۹ هزار تومان در روز ۲۵ ماه صورت گرفته است؛ (۲) شاخص فروش حداکثر، ۲/۷ برابر شاخص فروش در کمترین روز ماه می‌باشد؛ (۳) ۴۸/۵ درصد (۲/۹ میلیون تومان) یا نزدیک به نیمی از کل فروش ملاءه، در ده روز اول ماه و ۱۷/۵ درصد (۱/۰۲ میلیون تومان) در چهار روز پایان ماه (۲۷ تا ۳۰) صورت گرفته است. این دوره‌ی زمانی ۱۴ روزه، در مجموع ۶۶ درصد کل مبادله‌ی بازار را به خود اختصاص می‌دهد؛ (۴) در فاصله‌ی میان مقاطع یاد شده، یعنی از روز ۱۱ تا ۲۶ ماه یا در طول ۱۶ روز، میزان فروش با ۱/۹ میلیون تومان یا ۳۴ درصد، با طی یک سیر نزولی به حداقل ممکن در طول ماه می‌رسد و از روز ۲۷ ماه به بعد، منحنی فروش مجدداً تا پایان دهه‌ی اول ماه بعد روبه افزایش می‌گذارد و بازار شهری دوره‌ی رونق خود را تجربه می‌کند. (جدول ۴).

وابستگی لحصاری فروش و مبادله به روزهای پایانی ماه و تداوم آن تا هفته و دهه‌ی اول هر ماه، یعنی زمانی که نقدینگی ناشی از دریافت حقوق و مستمری وسیع‌ترین قشر جامعه‌ی شهری (حقوق بگیران و مستمری بگیران) در بازار شهر به گردش درمی آید، بیلگر این واقعیت است که بازار شهری تنها در نیمی از روزهای ماه و سال، خصوصیات یک بازار زنده، فعال و پویا را داراست و در نیمی دیگر، رکود، نارسایی و تنگنای ناشی از یک ساخت اداری - سیاسی، بر عملکرد آن به شدت سایه می‌اندازد. بررسی روند تغییرات میانگین فروش روزانه در ۸ فروشگاه لوازم خانگی در دی ماه ۱۳۸۲ نیز نه تنها در زمینه‌ی انحصار فروش به دوره‌های یادشده نتایج مشابهی به دست می‌دهد (جدول ۴)، بلکه همچنین بیانگر این نکته است که از کل فروش ۸ فروشگاه یادشده، ۶۱ درصد به صورت اقساطی و ۳۹ درصد نقدی بوده است (جدول ۴). میل منحنی مبادله به فروش نقدی، با زمان پرداخت حقوق کارکنان دولت مطبق است. به طوری که ۷۶ درصد (۲۳/۱ میلیون تومان) کل فروش نقدی ماهانه در چهار روز پایانی و دهه‌ی اول ماه صورت گرفته و در سایر روزهای ماه، استفاده از چک بانکی با پشتوانه‌ی کارمندی (دولت)، نظام فعالیت و مبادله‌ی بازار شهر را در کنترل خود دارد. استفاده از این پشتوانه نه تنها در خرید کالاهای مصرفی و غیرمصرفی، بلکه حتی در تأمین برخی نیازهای ثانویه، کاربرد وسیعی دارد. در همین راستا، نتایج یک نمونه‌گیری تصادفی، که در دی ماه ۱۳۸۳ از تعداد ۶۳ دستگاه انواع مخلف خودرو در سطح شهر به عمل آمد، نشان داد که ۵۷ دستگاه یا ۹۰/۵ درصد با چک کارمندی و به صورت اقساطی خریداری شده‌اند.

جدول ۴: روند تغییرات میانگین فروش روزانه در سه فروشگاه کفش و هشت فروشگاه لوازم خانگی در شهر سرابله

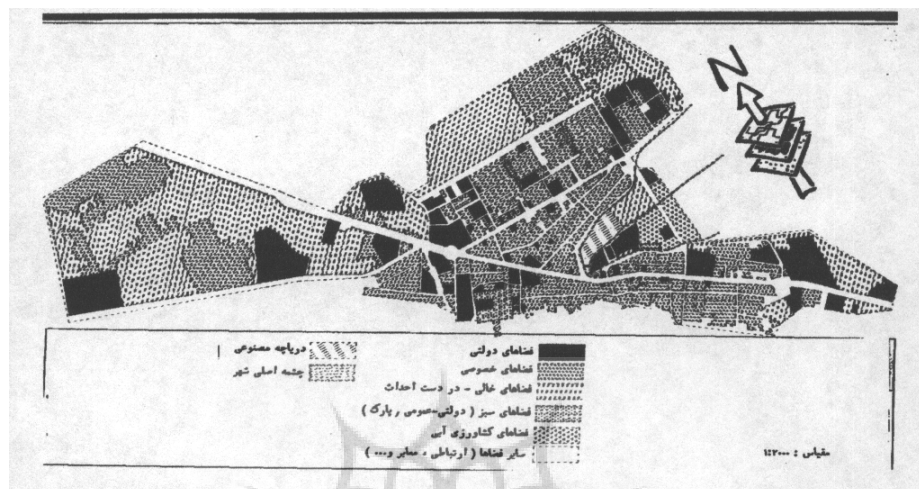
فروش لوازم خانگی (دی ماه ۱۳۸۲) (میلیون تومان)						فروش کفش (تیر ماه ۱۳۸۳)			روزهای* ماه
فروش نقدی		فروش اقساطی		کل فروش		٪ سهم	مبلغ (هزار تومان)		
مبلغ	٪ سهم	مبلغ	٪ سهم	مبلغ	٪ سهم		٪ سهم	مبلغ	
۲۰/۴	۱۵/۹	۲۴/۴	۱۹	۴۴/۸	۴/۳	۴۸/۵	۵/۹	۳۴۵	۱
					۴/۲		۵/۸	۳۴۰	۲
					۴/۴		۵/۸	۳۴۱	۳
					۴/۳		۵/۷	۳۳۶	۴
					۳/۹		۵/۹	۳۴۳	۶
					۳/۷		۵/۲	۳۰۲	۷
					۳/۵		۵	۲۸۷	۸
					۳/۴		۴/۸	۲۷۶	۹
					۳/۲		۴/۴	۲۶۰	۱۰
					۹/۳		۷/۳	۲۶/۲	۲۰/۴
۲/۷	۳/۱	۱۸۳	۱۳						
۲/۶	۳	۱۷۵	۱۴						
۲/۳	۲/۸	۱۶۲	۱۵						
۲/۳	۲/۵	۱۵۳	۱۶						
۲/۳	۲/۷	۱۳۸	۱۷						
۲/۱	۲/۲	۱۳۲	۱۸						
۲/۱	۲/۹	۱۶۹	۲۰						
۱/۸	۲/۶	۱۵۶	۲۱						
۱/۷	۲/۵	۱۵۰	۲۲						
۱/۶	۲/۳	۱۴۲	۲۳						
۱/۶	۲/۳	۱۳۴	۲۴						
۱/۵	۲/۲	۱۲۹	۲۵						
۹/۳	۷/۲	۱۰/۴	۸/۲	۱۹/۷	۳/۶	۱۷/۵	۳	۱۷۶	۲۷
					۳/۷		۵	۲۸۷	۲۸
					۳/۹		۴	۲۳۳	۲۹
					۴/۲		۵/۵	۳۲۳	۳۰
۱۰۰	۳۰/۴	۱۰۰	۴۷/۶	۱۰۰	۷۸	۱۰۰	۱۰۰	۵/۸۴۰/۸۳۰	۲۶

مأخذ اطلاعات: برداشت‌های میانی* (روزهای جمعه محاسبه نشده است).

۵. **سازمان‌یابی فضا و نقش آفرینی برجسته‌ی دولت در فضاسازی شهری:** نیروهای شهرآفرین، الگوهای فضایی خاص خود را می‌آفرینند. لذا فضا و نحوه‌ی سازمان‌یابی آن، مهم‌ترین شاخص در شناخت و تحلیل تحولات اجتماعی و اقتصادی است. نتایج بررسی‌های سال ۱۳۸۳ در سربله نشان می‌دهد از ۱۸۳ هکتار بافت پر یا فضای احداث شده‌ی شهری، بالغ بر ۷۷ هکتار یا ۵۵/۵ درصد را فضاهای دولتی تشکیل می‌دهد (فرجی داریخانی، ۱۳۸۴: ۲۲۰). یعنی بیش از نیمی از فضاهای شهری، مستقیماً با سرمایه‌گذاری دولت احداث شده‌اند. (نقشه ۲) در ۶۱ هکتار یا ۴۴/۵ درصد فضاهای مربوط به بخش خصوصی نیز شواهد بارزی از مشارکت غیر مستقیم دولت در قالب اعطای تسهیلات بانکی و طرح‌های آماده‌سازی و واگذاری اراضی شهری (عملکرد تعاونی‌ها)، قابل ردیابی است.

جایگاه و نقش برجسته‌ی دولت در فضاسازی شهری را می‌توان با مقایسه‌ی سهم و سرانه‌ی فضای اداری با دیگر فضاهای شهری به تصویر کشید؛ فضاهای سرویس دهنده‌ی اداری سربله، با ۳۲/۶ هکتار مساحت، ۱۶ درصد سطح شهر را می‌پوشاند و سرانه‌ی اداری معادل ۳۷/۵ مترمربع را به دست می‌دهد. این شاخص نه تنها در مقایسه با معیارهای شهرسازی و استاندارد سرانه‌های شهری کشور (شعبه، ۱۳۷۰: ۱۷۹-۱۷۲) به میزان قابل توجهی بیشتر است، بلکه در مقایسه با بسیاری از دیگر سرانه‌های شهری، چون سرانه‌ی تجاری، آموزشی، بهداشتی و حتی سرانه‌ی فضای سبز شهر (۵/۶ متر مربع) نیز به مراتب بالاتر است. به طوری که سرانه‌ی فضای اداری که هر شهروند در این شهر از آن برخوردار است، به اندازه‌ی سرانه‌ی فضای ارتباطی و معادل نصف فضایی است که به عنوان فضای مسکونی در آن سکونت می‌کند. چنین شاخص‌های فضایی - کلبدی، چنانچه در نقشه‌ی شماره (۲) مشاهده می‌شود شواهد بارزی است از دولت مداری در زندگی شهری و سیطره‌ی بوروکراسی دستگاه یا اداره - محوری در یک شهر اداری - سیاسی که با تفاوت آشکاری نسبت به معیارهای شهرسازی، نوعی عدم تعادل در سازمان فضایی - کلبدی شهر به‌شمار می‌رود.

نقشه‌ی شماره (۲): توسعه فضایی - کلبدی شهر سرابله



مأخذ: فوجی داریجانی، مکانیزم توسعه شهری سرابله، ۱۳۸۴

نتیجه

در تریخ شهرنشینی و شهرسازی دوره‌ی سنتی ایران «کارکرد اداری-سیاسی» همواره یکی از کارکردهای شهری (ferdowsian, 2002:65) مقوله‌ی شناخته شده‌ای است؛ ولی «شهر داری - سیاسی» آن گونه که در دوره‌ی اخیر شاهد آن بوده‌ایم، پدیده‌ای نوظهور در شهرسازی کشور به شمار می‌رود؛ بدین معنا که در پوشش شهرنشینی تاریخی، شهرها در کنار کارکردهای اصلی، از کارکرد اداری-سیاسی نیز برای توسعه‌ی شهری بهره‌جسته‌اند و این کارکرد، در مولدی چون شهرهای پایتختی، اثرات تعیین‌کننده‌ای بر تکامل حیات شهری داشته است. وجود قلمون مندی که بر اساس آن با پی‌لایش دولت متمرکز و مقتدر، شهر و شهرنشینی توسعه یافته و با تضعیف مفهوم دولت، شهرنشینی و شهرسازی نیز رونق خود را از دست داده است (پیران، ۱۳۶۸: ۹۰)، یادآور نقش تاریخی نهادهای اداری-سیاسی یا تشکیلات دیوان‌سالاری در توسعه‌ی شهر و شهرنشینی است. در چنین بستر تاریخی است که شهر اداری-سیاسی کنونی، در پیکره‌ی کشور شکل گرفته است یعنی؛ شهری که علت وجودی، نیروی محرکه یا مازاد اقتصادی، لزار تمرکز مازاد، قشریندی اجتماعی، پیکرنندی و کلبد، عملکرد و عناصر شهری و در نهایت تملی حیات و ممات شهر و شهرنشینی را به طور مستقیم و

غیرمستقیم، از منزلت اداری - سیاسی خود جستجو می کند و آینده خود را به شدت با آن پیوند زده است. لیکن تمرکز اداری - سیاسی یا لزاری که در رشد این الگوی شهری از آن استفاده می شود، از دیدگاه پایداری شهری، با دو تنگنای ساختاری - بنیادی همراه است.

۱. مازاد اقتصادی که در بدنه شهر اداری - سیاسی به گردش درمی آید، به دلیل وابستگی به منابع نفت یارانت نفتی، در بلندمدت خصلتی برونزا و پایان پذیر دارد؛ در کوتاه مدت نیز با ریسک ها و تهدیدهای متعدد همراه است که می تواند شبکه تولید مازاد را دچار گسیختگی نماید یا ضرورت گردش آن در بدنه اقتصادی - اجتماعی شهر را با تردیدهای جدی روبرو سازد. لذا سازمان شهری متکی به آن، همواره در حالت ناپایداری به سر می برد. اگرچه این خصلت تمامی شبکه شهری کشور را تا حدودی تهدید می کند، اما قدرت و شدت اثرگذاری آن در ناپایداری شهر اداری - سیاسی، به دلیل ولستگی تنگاتنگ و همه جانبه به مازاد نفتی، ابعاد به مراتب شدیدتر و پیچیده تری دارد.

۲. تمرکز اداری - سیاسی یا نظام بوروکراسی که به عنوان مؤلفه بستر ساز یا ابزار نهادی برای انتقال و تمرکز مازاد در این الگوی شهری عمل می کند، ظرفیت محدودی برای برآوردن نیازهای کمی و کیفی زندگی شهری دارد. توانایی این ابزار در تملک سطوح آن، محدود به ظرفیتی است که براساس قولین تقسیمات کشوری، از پیش برای آن تعریف شده است. این محدودیت بنیادی، سبب شده شهر در تعامل با یروهای بیرونی اثرگذار بر توسعه شهری، یا پیلدهای کنترل نشده که خود آن تحریک می کند، توانایی و ظرفیت چندانی نداشته باشد. لذا پس از یک دهه از تکوین شهر، با پیدایش یک ارتباط نامتعادل میان ظرف و ظروف شهری، شاخص های پایداری شهری در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی، به سرعت آسیب پذیری خود را نمایان می سازد. تجربه شهر سرابله نشان می دهد، کارکرد اداری - سیاسی، در «تکوین» شهر کارایی بسزایی داشته (نمودار ۱) ولی برای «تکامل» و «تدوم» مطلوب و پایدار شهری با موفقیت های چندانی همراه نیست.

بنابراین، شهر اداری - سیاسی هم از نظر خصلت مازاد و هم ابزار تمرکز و گردش مازاد، دارای تنگنای بنیادی است. که با پیامدهای متعدد در ناپایداری شهر همراه است. آنچه که به عنوان شواهد و مصادیق این ناپایداری، براساس مورد پژوهی شهر سرابله به عنوان یک نمونه شاخص از شهرهای اداری - سیاسی کشور، می توان بر آن تأکید کرد، در مولد زیر قابل جمع بندی است:

- ۱) سیطره‌ی بوروکراسی دستگاهها و نهادهای اداری- اجرایی در شهر؛
 - ۲) سیطره و تسلط بوروکراسی افراد یا نیروها و کارکنان اداری- اجرایی در شهر؛
 - ۳) پیدایش و رشد فرایندهای پدیده‌های نامطلوب حقوق‌بگیری و مستمری‌بگیری در بدنه‌ی اجتماعی- اقتصادی شهر؛
 - ۴) تغییر قشریندی اجتماعی به سوی یک جامعه‌ی تک‌ساختی وابسته به دولت (جامعه‌ی حقوق‌بگیر و مستمری‌بگیر)؛
 - ۵) تحوّل ساخت اشتغال به سوی یک ساخت خدماتی و یک‌جانبه‌ی وابسته به دولت؛
 - ۶) نارسایی در عملکرد فروش و نظام مبادله‌ی بازار شهری؛
 - ۷) متزوی شدن بخش خصوصی و ناکارآمدی آن در سازمان اجتماعی و ساخت اقتصادی شهر؛
 - ۸) سیطره‌ی فضاهای اداری و نقش آفرینی برجسته دولت در سازمان یلی فضایی و فضاسازی شهری.
- واقعیت این است که شهر چون بسیاری از پدیده‌های جهان هستی، پدیده‌ای است که موجودیت و پایداری آن در گرو بلندگی و پویایی آن است؛ حیات سیر تکوینی و تکاملی دارد و تغییرپذیری همراه با تحوّل و ویژگی انکارپذیری هستی و لازمه‌ی موجودیت و پایداری هر پدیده‌ای در نظام هستی است. به‌نظر می‌رسد، بسیاری از بحران‌ها و ناپایداریهای شهری معاصر را می‌توان با « بازگشت به خویشتن خویش » یا استفاده از اصول برنامه‌ریزی شهری سنتی درون‌زای ایران، مورد بزرنگری قرار داد (علی اکبری، ب ۱۳۸۳: ۶۱ / فریادی، ۱۳۸۳: ۴۲)، که جوهری و درون‌مایه‌ی اصلی آن، پر از اصول و قنون‌مندیهای سنتی، ولی زنده و پویا است که به عنوان اصولی ملدگار و دارای قابلیت تلاوم (پرتوی، ۱۳۷۹: ۱۵۶ و ۱۶۳)، می‌تواند ضمن سازگاری با شرایط و موقعیت‌های متفاوت، در رفع بسیاری از بحران‌های شهری کنونی به کار آید.
- این نوشتار، یکی از نمونه‌هایی است که ملاخله‌ی ناکارآمد و غراضولی دولت در شهرسازی را ارائه می‌دهد و بر ناکامی دولت در فرایند توسعه‌ی شهری تأکید می‌کند. فارغ از این‌که این هوردپژوهی به عنوان یک نمونه‌ی شاخص با یک نمونه‌ی معمولی از اثبات این ایده محسوب شود. به هر صورت، اعتبار و استحکام هر نظریه به وسعت نمونه‌های آن است. امید است طرح این موضوع، زمینه را برای مطالعات دیگری در سایر نقاط کشور فراهم آورد؛ مطالعاتی که بتواند لگوه‌ای ملاخله دولت در شهرسازی، چه در قالب شهرهای اداری- سیاسی و چه در قلب سایر شهرهای دولتی را به نقد و تحلیل بکشد؛ در آن صورت می‌توان به پشتوانه‌ی

نمونه‌ها و با اطمینان، از این نکته سخن به میان آورد که دولت، یا با اصلاح و بهبود رویکردهای موجود (یا اتخاذ رویکردهای جدید)، الگوی کنونی مداخله خود در شهرسازی را با مطلق علمی شهرسازی منطبق نماید، یا از مداخله در فرایند شهرنشینی و شهرسازی کناره‌گیری کند.

منبع و مآخذ:

۱. اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)، «سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی» (نمونه ایران)، ترجمه‌ی عباس سعیدی، ایران-شهر-روستا-عشایر (مجموعه مقالات)، انتشارات منشی، تهران، صفحات ۲۲۱-۲۵۲.
۲. _____ (۱۳۷۳)، «شهر شرق اسلامی: مدل و واقعیت»، ترجمه‌ی محمدحسن ضیاء تولابا و مصطفی مؤمنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، آستان قدس، مشهد، صفحات ۱۷-۶۵.
۳. پرتوی، پروین (۱۳۷۹)، «تلاوم تاریخی در معماری و شهرسازی ایران»، مجموعه مقالات مطالعات ایرانی، شماره ۴، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، صفحات ۱۲۴-۱۶۷.
۴. پیران، پرویز (۱۳۶۸)، «توسعه برونزا و شهر: مورد ایران»، شهرهای جدید فرهنگی جدید در شهرنشینی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، صفحات ۷۹-۹۹.
۵. رهنمایی، محمدمقایی (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی: نقادی بر نظریه‌ی عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک»، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، آستان قدس، مشهد، صفحات ۱۷-۲۶.
۶. شیعه، اسماعیل (۱۳۷۰)، «مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری»، چاپ دوم، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۷. ضیایی، محمود (۱۳۷۹)، تبیین نقش و جایگاه دولت در توسعه‌ی شهر و شهرنشینی در ایران، رساله‌ی دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۸. علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۷۸)، مکانیزم‌های توسعه‌ی شهری در استان ایلام با تأکید بر تبیین نقش دولت، رساله‌ی دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۹. _____، (الف ۱۳۸۳)، «دولت مداری در اقتصاد شهری ایران، مطالعه موردی: استان ایلام»، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.
۱۰. _____، (ب ۱۳۸۳)، «رویکردی به احیاء ارزش‌های گذشته در شهرسازی معاصر» مجله‌ی پیک نور، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳، دانشگاه پیام نور، تهران، صفحات ۴۷-۶۲.
۱۱. فرجی دلایطی، محمد (۱۳۸۴)، مکانیزم توسعه‌ی شهری در سرابله، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.

۱۲. فریادی، شهرزاد (۱۳۸۴)، «پیشنهاد اصول و قواعد طراحی شهری پایدار شهرهای ایران در فرایند جهلی شدن» (با تأکید بر نیازهای زیستی)، محیط شناسی، مجموعه پژوهش‌های محیط زیست، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۳، دانشکده‌ی محیط زیست، دانشگاه تهران.
۱۳. فنی، زهره (۱۳۸۲)، شهرهای کوچک، رویکردی دیگر در توسعه‌ی منطقه‌ای، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
۱۴. کریمی پور، یلانه (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر تقسیمات سلیسی ایران، جلد اول؛ وضع موجود، دانشگاه تربیت معلم.
۱۵. منوی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «توسعه پایدار و یادادیم‌های جدید توسعه‌ی شهری: شهر نقرده و شهر گسترده»، مجله محیط شناسی، مجموعه پژوهش‌های محیط زیست، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۲، دانشکده‌ی محیط زیست، دانشگاه تهران.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۶۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی شهرستان سرابله.
۱۷. _____، (۱۳۷۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان سرابله.
۱۸. مهدزاده، جواد و همکاران (۱۳۸۲)، «بناهای راهبردی توسعه‌ی شهری (تجربیات اخیر جهلی و جایگاه آن در ایران)». وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۹. نظری، عبدالحمید (۱۳۸۳)، «نقش دولت در توسعه‌ی شبکه‌ی ارتباطی و تأثیر آن در تحول سیستم حمل و نقل روستایی با تأکید بر روابط شهر و روستا در ایران» (مورد استان گلستان)، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، سال دوم، شماره‌ی ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۳، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صفحات ۱۸۹-۲۱۴.
۲۰. وهلی، محمد (۱۳۸۳)، نقش طرح‌های واکناری اراضی شهری در توسعه‌ی فضایی شهر آبدانان (از ابتدا تا ۱۳۸۲)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.
21. Ferdowsian . F. (2002) Modern and traditional urban Design concepts and principles in Iran, university of Stuttgart, Institute of urban planning.
22. Frey, H.F. (1999), Designing the city, Towards a More sustainable urban form, London: E and FN SPON.